**جلسه 23 88-87**

# مکاسب محرمه / تصویر و تمثیل

# متعلق حکم در ایجاد صور

بسم الله الرحمن الرحيم

یک نکته که در فرع هفتم باقی ماند که آن نكته اين است كه با همان تصوير سوم كه در خيلي از موارد ظهور همان را اقتضا مي كند. يعني در جايي كه نهي تعلق گرفته به يك كار كه تدريجا محقق مي شود و مجموعه مركبي است،گفتيم تصوير سوم، اين بود.

## حرمت ضمنی مشروط

ظاهرش اين همان تصوير سوم است كه اين مجموعه يك حرمتش به آن تعلق گرفته و همه اجزاء هم مشمول اين حكم واحد است. منتهي هر جزئي مشروط به تحقق سایر اجزاء است اين و يك حرمت است كه انحلال به حرمت ضمني پيدا مي كند نه حرمت مشتمل، حرمت هاي ضمني مشروط، يك حرمت است به اين كل تعلق گرفته، ساخت اين صورت و پيكر كه همه اجزاء هم داخل در اين متعلق حرمت است، يك حرمت مستقل داريم كه روي كل سوار شده آن وقت هر جزئي داراي يك حرمت ضمني مشروط است. و لذا هر كدام مشروط به شرط متقدم يا متأخر اين تصوير درستي است كه به نحوي در فرمايش آقاي خوئي و امام **(رحمة الله عليه)** آمده گاهي هم بعضي نكات در بعضي فرمايشات و حواشي است كه با اين سازگار نيست.

## علم به فعل حرام

### الف. در تمام اجزاء

ما جامعش را گفتيم سه صورت دارد، ثمره اين بحث ها در دو جا ظهور پيدا مي كند يعني در دو جا است كه به عبارتي سه نوع مي شود: يك بار آنجايي كه از اول تا آخر كسي قصد دارد اين كار حرام را انجام دهد از آن وقتي كه شروع مي كند به ساخت مجسمه، آرام آرام تا به نتيجه مي رسد قدم به قدم در همه اجزاء علم و قصد به انجام كار محرم بود. اين يك نوع است كه در واقع اين محقق مي شود، ايني كه گفتيم اين را دربرمي گيرد كلّ جزء، جزء مصداق از كار حرام، و مشروط به شرطي است كه محقق هم مي شود يك حرامي را كه تركيبي است انجام دهد.

### ب. در حاصل عمل

يك حالت اين است كه آن اجزاء اول و ابتدائي را انجام مي دهد ولي قبل از آن كه به صدق كل برسد حالا كل تام يا ناقص قبل از اين كه به صدق به حد محرمه تنجزي برسد منصرف مي شود حالا يا منصرف مي شود يا ما نفي جلوي او را مي گيرد. در اين صورت گفتيم حرمت فعليت پيدا نمي كند. چرا؟

## تجری

براي اين كه فعليت، حرمت كل جزء مشروط به اين بود كه ساير اجزاء هم باشد، چون ساير اجزاء نيامد. اين ديگر مصداق محرم نمي شود يعني كشف مي كنيم از اول هم بود حرام نبود، منتهي او قصد حرام كرده بود اين نوعي از تجري است، البته تجري هم دو قسم است وقتي است كه يك فعل كامل انجام مي دهد، بعد معلوم مي شود اصلاً حرام نبوده، شروع مي كند در فعل تركيبي كه جزء حرام است بعد معلوم مي شود جزء حرام نيست اين نوعي از تجري است و حكمش همان حكم تجري است، كه دو قول است، بعضي تجري را حرام مي دانند و بعضي هم تجري را حرام نمي دانند قبح فاعلي فقط براي آن قائل هستند نه فعلي، اين هم در اين صورت است كه اين صورت دوم است.

طلبه: نظرتان را راجع به تجري نمي گوييد؟

استاد: بنا نيست بگوييم يك صورت سومي هم بود كه...

اين جا تجري مي شود بنابر تصويرهاي قبلي تجري نمي شد حرام مي شود يعني حرام نبود بنابر بعضي تصويرها، ولي بنابراين تصوير حرام مي شود.

## متعلق حرام در ایجاد صور

صورت سوم را ما تعيين كرديم منتهي مي گوييم روي همان صورت سوم نوع تحقق فعل در خارج گاهي اين است كه نه چند جزء را انجام مي دهد و لي ناتمام مي ماند. همه اينها حالت هايي از تحقق فعل است بنابرهمان تصوير سومي، حالت سوم اين است كه اول كه به انجام دادن شروع مي كند قصدش اين نيست كه به آخر برساند. اين نكته اي است كه قبلاً نگفته بوديم، اين كه سه حالت مي گويم غير از بحث ديروز است در ادامه آن است ديروز گفتيم وقتي حرامي شد و كل مورد حرمت قرار گرفت و متعلق حرام شد اين سه تا تصوير دارد براي تصوير اول و دوم باشد اين هم حرف ثبوتي و اثباتي كه ديروز گفتيم، منتهي مي گوييم همين جايي كه كلي متعلق حرام قرارگرفته و ما هم گفتيم كل متعلق حرام است و اجزاء حرمت ضميمه مشروط دارند. اين را ديروز گفتيم با همين تصوير بيايد در عالم خارج، ببينيد اين چه طوري واقع مي شود.

مي گوييم سه نوع مي تواند اين محرم واقع شود:

### الف. قصد فعل از ابتداء

يك بار است كه از اول تا آخر شروع مي كند به ساخت مجسمه قدم به قدم جلو مي آيد و از اول هم قصد دارد تا آخر هم قصد دارد و انجام هم مي دهد اين يك حالت بود و اين معلوم است كل حرام است، يك حرمت واحدي دارد اجزاء هم ضمناً و مشروط حرام بود كه فعليت هم پيدا كرده است.

### ب. تجری

حالت دوم اين كه نه شروع مي كند به بعضي از اجزائ اما به حدي نمي رسد كه تنجز پيدا کند گفتيم حكمش حكم تجري است. اگر تجري را حرام دانستيم، حرام است اگرهم نه حرام نيست. چرا حرامي واقع نشده است؟ براي اين كه حرمت ضمني اينها، مشروط به اين كه ساير اجزاء هم بيايد و ساير اجزاء نيامداند. كشف مي كنيم حرام واقعي نبود، فقط تجري كرده است.

### ج. عدم قصد ابتدائی

حالت سوم اين است كه از اول شروع كه مي كند مي گويد من حالا مي خواهم دستي بسازم كه صدق صورت حيوان نمي كند و بعد در ادامه يك دفعه تصميم مي گيرد كه اين كه حالا كه خوشش آمد گفت تمامش كنم از اول يك دستي را مي خواست بسازد كه صورت حيوان به آن نمي گويند ولي آرام آرام يك قدم جلو آمد گفت حالا اين دو جزء را هم بسازيم كه با دو تا چشم و دهان ديگر صورت حيوان صدق مي كند .

اين حالت سوم است به عكس آن قبلي است كه در قبلي شروع كه كرد به قصد اين بود كه كاملش كند وسط كار متوقف شد آن جا گفتيم حرمت نيست فقط تجري است چرا حرمت نيست؟ براي اين كه حرمت مشروط به اين بود كه همه بيايند اما اينجا به عكس است تقريباً اول كه شروع كرد اصلاً حالت تجري نداشت و اين تفنني مي گفت كه من گوشي يا دستي را مي سازم اينها كه صورت حيوان بر آنها صادق نيست منتهي وقتي آمد جلو خوشش آمد، ديد خيلي قشنگ درآمد، گفت حالا چشم و ابرو هم بگذاريم و دهان در آن صورت صدق صورت حيوان مي كند اين بدائي در ادامه حاصل شد كه تكميل کند كه آن كاري كه وقتي كه انجام داد و قصد نداشت نمي خواست كار حرامي را انجام بدهد آن چه حكمي دارد بنابر همان بحثي كه ما كرديم در اينجا در بعضي از تعابير بزرگان آمده كه آن اصلاً حرام نيست، حرمتي ندارد براي اين كه او قصد معصيتي نداشته به عنوان تفنن گفته، پيشاني و گوشي درست مي كنم بقيه مسائل را تصميم نداشته پس كار حرامي انجام نداده و از آن وقتي كه قصد كرد اين حرام مي شود از اين به بعد اينها مصداق حرام است.

### نظر آقای اعرافی

ما يك ملاحظه اي داريم بنابرآنچه كه عرض كرديم و تصوير درستي كه از اين محرم تركيبي بايد ارائه شود اين است كه آن نمي شود بگوييم كه حرام نبود واقعاً نه مصداق حرمت بود چون در ادامه وقتي دنبالش بيايد كشف مي كند كه آن هم جزئي بود كه مشروط نبوده بعد بيايد و بعد هم آمده است. منتهي آن حرمت تنجز نداشته تنجز حرمت وجود نداشته نه اين كه تعبيري كه در بعضي فرمايشها است آن اصلاً حرام نيست يعني مصداق حرام نيست. ما عرضمان اين است كه نه مصداق حرام است منتهي چون حرام تنجز حرمت مشروط به علم است علم نبوده اين تنجر پيدا نكرده است.

اين فرقي است كه در اينجا وجود دارد و بايد به آن توجه داشت كه كان اين فعل بعدي و تصميم بعدي و ادامه كار كاشف است مثل اجازه در بيع فضولي، اين كاشف است از اين كه قبلي هم مصداق كار حرام بود چون در كار حرام، همه اجزاء مشروط به همديگر است اين كه آمد معلوم مي شود در آن اجزاء بوده، شرطش هم معلوم شد كه بوده، مصداق حرام است منتهي هر حرامي تنجز پيدا نمي كند چرا؟ تنجز مشروط به علم و قصد است اينجا علم و قصد نبوده است ولذا تنجز نداشته نه اين كه حرام نبوده تنجز حرمت و حكم نبوده است.

## عذاب متقوم به قصد

فعلي را كه انسان بايد توجه داشته و قصد کند و قصد نكند حرام مي شود، قصد حرام را بيايد کند ، قصد نكند محقق مي شود در همه محرمات آدم بايد قصد کند عنوان قصدي شود غير از اين است كه عذاب به قصد نياز دارد، عنوان قصدي شدن چيز ديگري است غير از اين است كه عذاب و تنجز به قصد متقوم است. عنوان قصدي بودن غير از اين است كه تنجز حكم به قصد است.

## افعال مرکب بالنسبۀ قصد

اين سه صورت است كه من عرض مي كنم، كل مركبي كه حرام است، تصوير سوم را ما تأييد كرديم بنابر تصوير سوم و بنابر هر تصويري يك مركبي را كه مي خواهد انجام دهد گاهي از آغاز تا انجام فاعل دنبال اين است كه كار حرام انجام دهد از اول تا آخر گاهي هم است كه نه اول قصد داشت ولي در ميانه راه انصراف پيدا كرد تكميل نكرد اين كار حرام را قصد داشت اجزاء حرام را شروع كرد، نه مقدمات را، ولي به پايان نرساند. سوم اين كه به عكس اين اول شروع كرد از اجزائي كه مي خواست تكميل کند چون نمي خواست تكميل كند قصد و حرمتي در آن جا نبود ولي در ميانه راه نظرش عوض شد گفت تمامش مي كنم اين حالت دوم و سوم است.

حكم اين حالت دوم و سوم بنابر تصويري كه ما عرض كرديم حكمش اين است كه در صورت دوم تجري است و لا حرام واقعي، اين عدم وقوع اجزاء بعدي كشف مي كند كه آن حرام نبود واقعاً حرام نبود. چون جزء حرام مشروط به اين است كه بقيه آن هم بيايد، صورت سوم انجام بعد از آن و تكميل بعدي باز كاشف از اين است كه آن از اول حرام بود منتهي آنجا حرمت منجز نشد چون قصد و فعل نداشت. با اين كاشف بعدي آن حرمت منجز مي شود.

توجه كرديد اين بحث دقيق تكميل بحث ديروز است اما چرا، اگر همين حالت، دوم و سوم را شما ببريد روي اول يا دوم، حكمش فرق مي كند مثلاً اگر كسي بگويد كه در مركبات آن جزء اخير حرام است در اين جايي كه چند جزء را انجام داد ولي بقيه را انجام نداد آن اصلاً حرامي را انجام نداده تجري هم نكرده چون اينجا اصلاً حرام نيست. آن جايي كه در ابتدا نمي خواست حرام را انجام دهد و بعد تصميم گرفت حرامي را انجام دهد.

بنابراين كه جزء اخير حرام است هيچ فرقي نمي كند قبلي ها حرمتي ندارد و آخري حرام است اما بنابر تصوير سوم، نتيجه در اين سه نوع عمل روشن است پس در اين جا سه تصوير ثبوتي وجود دارد كه ظاهر گفتيم تصوير سوم را مي پذيريم كه كلّ شامل اجزاء مي شود حرام است و اجزاء حرمت ضمني مشروط دارد نتيجه اين بحث و تصوير در سه نوع عمل نشان داديم، عمل يك مجموعه مركب گاهي كامل است از اول تا آخر، گاهي اول تصميم دارد ولي وسط راه منصرف از تكميل مي شود گاهي نه اول نمي خواهد طراحي را انجام دهد و بين راه بر عكس تصميم مي گيرد که تكميل كند.

## شرط منجز شدن فعل

نتيجه آن تصوير سوم در اين سه نوع عمل روشن شد آن جايي كه نوع اول از اول تا آخر انجام مي دهد همه حرام است همه حرمت ضمني مشروط دارد كه شرط در آن محقق شده است و آن حرمت كل درست مي شود. آن جايي كه اول انجام داده به قصد حرام ولي وسط راه متوقف شد اين جا نيامدن بقيه كشف مي كند كه آن جزء حرام نبود منتهي آن تجري كرده انجام داد نه به قصد حرام اما بين راه گفت بقيه اش را حرام كنم، تمام كردن بقيه كاشف از اين است كه آنها هم حرام بود منتهي حرمتش منجز نشد چون عذاب و منجز شدن حرمت به قصد و نيت و اقدام با قصد و علم مي خواهد كه اينها نبود.

## حرمت ساخت مجموع اجزاء

اگر يك شخص تمام اجزاء را جدا جدا بسازد. اين كه دست را ساخت كنار، پا را و صورت را و.. را ساخت كنار، بعد خود فاعل واحد اينها را تركيب مي كند آن سه تصوير اينجا مفصل است. بنابر تصوير سوم كه مي گوييم كه ساخت مجموعه حرام است، مجموعه اي كه مشروط به اين است كه با هم باشد و كنار هم قرار بگيرد مشروط به اين است كه بقيه اجزاء بيايد و كنار هم قرار بگيرد اين جور حرام بود تا تركيب نكرده، تركيب كه كرد كشف مي كند كه همه اعمال حرام بوده و آن حرام واقع شد آن وقت اگر قصد نداشته، داشته كه جدا جدا بسازد، بعد به هم بچسباند، همه اش حرام بوده، اگر تصميم داشته ولي تركيب نكرد حرام نيست تجري است فقط اگر تصميم نداشت و بعد آمد تركيب كرد اين كشف مي كند كه آن هم حرام بود منتهي آن وقت تنجز نداشت.

طلبه:

استاد: يعني سه حالت در اين وضعي كه جداجدا بسازد بعد تركيب كند همان صورت اينجا هم مي آيد.

# فرع هشتم ؛ شراکت در ایجاد صور

گفتيم كه مركب كه متعلق حكم قرار گرفت به سه طریق مي شود تصوير كرد بحث امروز اين است كه عملي كه مي خواهد مركب را در خارج محقق کند چهار نوع مي شود يك وقتي از اول تا آخر شروع مي كند قصدش هم اين است تا آخر مي رسد يك وقت شروع مي كند و قصدش استطاع آخر نمي رسد يك وقت اول شروع مي كند قصدش اين نيست تا آخر برساند ولي بين راه مي گويد تا آخر برسانم نتيجه تصوير سوم ديروز در اين سه نوع عمل در محرمات تركيبي همين است كه عرض كردم.

فرع هشتم: آن جايي است كه اشتراك « اثنان أو اكثر التصوير و التمثيل و امثال ذلك » اين كه چند نفر اين مجسمه را بسازند هر كدام قسمتي را اين حكمتش چيست؟ اين بحث هم مثل بحث قبل يك بحث عام در قاعده كلي است در محرمات تركيبي چه طور؟ آن بحث سابق گفتيم در محرمات تركيبي و واجبات تركيبي متعلق آيا كل اجزاء است، جزء آخر و یا هيأت حاصله است؟

بحث بعدي هم يك قاعده كلي است. البته ما در واجبات تركيبي هم مقداري به آن توجه كرديم اما واجبات تركيبي تصوير سوم درست اما تفاصيل و جزئياتي دارد كه در واجبات وارد نشديم اگر بخواهيم وارد شويم خودش قاعده ديگري است بخصوص در عبادات و عبادات و غيرعبادات فرق مي كند بيشتر نگاهمان به محرمات تركيبي معطوف بود.

## شراکت در محرم ترکیبی

فرع هشتم بحث مشتركي است كه در هر محرم تركيبي مطرح مي شود و آن بحث مشترك اين است كه اگر حرامي كه تركيبي است و از اجزائي تشكيل شده در انجام آن يك نفر اقدام نكرد و هر یک گوشه اي از آن را انجام دادند و جمع اينها حرام مركب شد. مثل اين كه در سرقت و در بحث حدود هم گفتيم اگر چند نفر سرقت كنند با هم گوشه اين چيز را بگيرند و بيرون ببرند اين يخچال را، كه اين سرقت با فعل واحدي واقع نشده، با فعل متعدد واقع شد و گاهي اين طور مي شود كه متعدد اين را انجام مي دهند مكلف واحد نيست.

به عبارات ديگر محرمات تركيبي كه از اجزائي و ابعاضي تشكيل مي شود اين گاهي با فعل واحدي است «واحدٌ من المكلفين و أخري بفعل جمع من المكلفين اثنان و اكثر».

## شراکت در مقدمات محرم( اعانه بر اثم )

اين جا باز سوال كلي مطرح است يك بحث كه مصداقش همين جا است مجسمه را مي سازد ولي در كار خانه كه اين شخص يك تكه آن يك قسمت، و.. بعد در جايي اين ها پيچ و مهره مي شود و بيرون مي رود هر كسي يك گوشه اي از يك كار حرام را مرتكب مي شود. اين اشتراك و عدة من المكلفين في فعل حرام است اين يك قاعده اي است و اين غير از مشاركت در مقدمات است، گاهي حرام كار يك نفر است ديگران در مقدمات كمك مي كنند مثل اين كه کسی كه يخچال را مي دزد و از خانه بيرون مي برد و ديگري هم طنابي براي او آورد و.. اينها حرام نيست طناب به دست كسي دادن حرام نيست مقدمه كار حرام است. آن يك بحث است كه مشاركت ديگران در فعل محرم اگر بخواهيم جامع تر بگوييم، مشاركت افرادي در فعل محرم گاهي به نحو تهيه مقدمات و اعداد المقدمات لفعل تشخص است كه فعل محرم كار يك نفر است بقيه در مقدمات كمك كار هستند تعبير فقهي آن اعانه بر اثم است مي گفتيم مقدمه حرام اگر خود انسان براي خودش حرام انجام دهد به آن مي گفتيم مقدمه حرام، مقدمات را انجام مي دهد كه كار حرام را خودش انجام دهد اين را مي گويند مقدمه حرام مقدمه حرام براي فعل غير اعانه علي الاثم است.

اگر شما همه مقدمات را آماده كنیدتا كسي را بكشيد این کار را انجام ندهید چه اشكالي دارد؟ ما همين امر درست را مي گوييم آن قبح فاعلي است يا نيست؟ آن بحث ديگري است فعل چيزي ندارد بر خلاف واجب، پس كس مقدمه حرام خودش را خودش ايجاد مي كند مقدمه حرام مي شود يك بار مقدمه فعل حرام ديگري را براي ديگري آماده مي كند اين اعانه بر اثم است يك وقتي هم اعانه نيست تهيه مقدمات نيست خود حرام حالت تركيبي دارد كه هر كس گوشه اي از آن را گرفته، خود حرام مثل اين كه آنها با هم يخچال را بيرون مي برند توجه كرديد، نه اين كه مقدمات اين كه او يخچال را بيرون ببرد را فراهم مي كند با هم يخچال را بيرون مي برند و مي دزدند.

## مقدمه واجب

مقدمه واجب، واجب عقلي است نه شرعي، مقدمه حرام، حرام عقلي هم نيست، مقدمات گناه را انجام بده ولي گناه را انجام نده، چاقو را آماده كرد و.. همه كارها را انجام داده كه كسي را بكشد ولي نمي كشد.

## اشتراك العده في الفعل المحرم

بحث اين است اصلاً فرض كنيد با هم شروع مي كنند هر كدام گوشه اي از آن را در يك لحظه هم با هم آن را تمام مي كنند و مي گوييم كه در يك لحظه به آن جايي مي رسد كه صدق حرام کند يك نفر اين كار را انجام نداد هر كسي يك گوشه را انجام داد، منِ تنها، مجسمه صورت حيوان را ساختم او هم همين طور و ديگري هم همين طور ولي تركيبش بد تركيبي است، اين بحث كلي است كه در خيلي از جاها محقق مي شود و در قمار هم همين طور است حالا قمار ممكن است كمي متفاوت باشد كه نكته متفاوتي دارد، كارهايي كه حرام است و حالت تركيبي دارد و هر كسي يك گوشه اي از آن را انجام مي دهد نه مقدماتش اولي را مي گويند تهيه مقدمات لفعل الحرام است كه اعانه مي گويند اما صورت دوم اشتراك العده في فعل محرم به آن مي گويند كه آقاي تبريزي مي فرمودند تعاون يعني همين تعاون يعني با هم چند نفر يك كار حرام انجام بدهند اين دو نوع است و بحث ما در جايي است كه چند نفر هر كدام جزئي از حرام را انجام بدهند كه بنابر آن تصويري كه ما مي گفتيم همه اجزاء حرام است خوب، هر كسي يك جزء حرام را انجام مي دهد..

## صدق حرمت در شراکت

اين بحث كلي مهم فقهي در محرمات تركيبيه كه بايد به آن توجه كنيم اينجا لااقل دو احتمال وجود دارد:

### الف. انحلال محرم به عدد مکلفین

يكي اين كه بگوييم حرامي نيست و كسي مرتكب حرام نشده براي اين كه تكليف منحل مي شود به هر مكلفي، هر مكلفي يك خطاب دارد و خطاب او اين است كه مجسمه نسازد و مجسمه نساخته است صورت الحيوان نسازد سه نفر هيچ كدام كه تكليف محرم منحل مي شود به عدد مكلفين واقع نشده است. بنابراين هيچ كدام كار حرامي انجام نداده اند اين مثل فعل اجماعي است در صلّ دو مكلف اگر در رسائل يادتان باشد اگر كسي بداند لباس خود او يا لباس برادرش نجس است مي گوييم علم اجمالي ارزشي ندارد هر تكليف متوجه مكلفها مي شود. هر مكلفي تكليف خودش را دارد. هر كدام هم مشمول خطاب مستقل هستند هيچ كدام هم آن خطاب بر آنها محقق نشده است. براي اين كه هيج كدام مجسمه نساخته اند،

### ب. صدق محرم بر همۀ شرکاء

يك احتمال هم اين است كه بگوييم همه با اين كه يك حرام اينجا واقع شده ولي همه در آن سهيم بودند و همه مرتكب گناه شده اند در واقع يك گناه چند گناه شده است. اين دو احتمال يكي اين كه در اشتراك در وقوع محرمات تركيبي اشتراك چند فاعل در وقوع و صدور محرمات تركيبي هيچ كدام گناهكار نيستند و احتمال دیگر هم اين كه همه گناهكار هستند.

## بررسی آیۀ تعاون در باب « اعانه »

حالا با بحث آيه تعاون ذهنتان فعال تر می شود. در بحث اعانه بر اثم گفتيم كه دو نظر است يكي اين كه اعانه بر اثم حرام است و دیگر اين كه اعانه بر اثم حرام نيست. در بحث اعانه تمسك شده به آيه شريفه «لاتعاونوا علي الاثم و العدوان، تعاونوا علي البر و التقوي، و لاتعاونوا علي الاثم و العدوان» بعد عرض كرديم كه آيا اين آيه دلالت بر بحث اعانه يعني مقدمه فراهم كردن مي كند يا نه.

## مفهوم « تعاونوا »

به اين مناسبت گفتيم كه در اينجا سه نظريه است:

### الف. اعانه

يكي اين كه تعاونوا به معناي اعانه است كاري با باب تفاعل ندارد اعانه هم يعني مقدمات را مي آورد خودش مستقيم در فعل حرام دخيل نيست، طناب و چاقو را آورد ولي خودش نكشته یا ندزديده است. یعنی تعاون به معني «الاعانه و العداد المقدمات للمشاركت في الفعل».

### ب. اشتراک بر فعل

احتمال دوم اين بود كه آقاي تبريزي فرمودند: مسرّ بر اين بودند، مي فرمودند تعاون غير از اعانه است تعاون باب تفاعل است و معنايش همين اشتراك دو فاعل يا سه فاعل بر فعل واحد است يعني دو سه نفر خودشان فاعل اين حرام هستند و جزئي از اين حرام هستند. نه اين كه يكي مقدمه مي آورد و يكي خود حرام را انجام مي دهد نه، اجتماع بر حرام است كه عداد المقدمات حرام، تعاون را فرموده اند به اين معناست كه مشاركت در فعل است يعني خود او فاعل است و فاعلها نتيجه اش فعل محرم شده است.

### ج. اعانه و اشتراک ( نظر آقای اعرافی )

يك احتمال سومي هم داديم ممكن است بگوييم تعاون هر دو را دربرمي گيرد.

## اعانه بر اثم در محرمات ترکیبی

بنابر نظر مرحوم آقاي تبريزي لاتعاونوا علي الاثم و العدوان با بحث ما ربط دارد نه با بحث اعداد المقدمات و اعانه بر اثم يعني هر كسي گوشه حرام را انجام مي دهد. اين طرح موضوع است و ربطش به آن بحث است و اين اشتراك چند فاعل در حرام چيزي است كه در كتاب حدود و اشتراك مطرح است، آن اعمالي كه حد دارد اگر چند نفر با هم انجام دادند يك سوال اين است كه گناه كردند يا نه؟ ودارد حد بر كدام و چگونه جاري مي شود؟ طرح بحث است و قاعده كلي و تفاوت آن با اعانه همه اينها در طرح بحث روشن شده اهميت آن فوق العاده است چون خيلي مصداق دارد در محرمات تركيبي ما در اينجا چه بايد بگوييم؟

## دلیل عدم حرمت، « جميع الاجزاء به شرط الاجتماع »

به نظر مي آيد بنابر آن تصوير سوم، اصل اين است كه حرام نباشد يعني بنابراين كه مي گوييم همه اجزاء به شرط اجتماع حرام هستند خوب اينجا اجزاء به شرط اجتماع حرام هستند در صورتي كه از مكلف واحد صادر شود. ولي اينجا اجزاء به شرط اجتماع شده ولي مكلف واحد نيست، و لذا بايد گفت حرام نيست بنابر تصوير سوم كه جميع الاجزاء به شرط الاجتماع در صورت صدور از مكلف واحد حرام است اين حرام نيست بنابر تصوير اين كه بگوييم كه جزء اخير است. چرا؟ اين جا آن كسي كه جزء آخر را انجا مي دهد اگر تأخر دارد يا فردی كه تركيب مي كند تأخر دارد آن حرام را انجام مي دهد.

## اتمام همزمان شرکاء

ولي اگر با هم به يك نكته مي رسند يعني هيچ كدام جزء اخير زماني وجود ندارد اينها با هم تحقق پيدا مي كند آن وقت يك مقدار مشكل مي شود. مي شود گفت هيچ كدام جزء اخير را انجام نداده است. شايد باز شود بگوييم كسي حرام را مرتكب نشده است .

بنابراين علي الاصول و طبق قواعد بايد بگوييم كه در صورت تكميل صورت، يعني به آن حدي كه حرمت صدق مي كند صورت كامل لازم نيست، تكميل اين اگر از نظر زماني به تدريج واقع مي شود يا تركيبش بعد انجام مي شود بنابر نظريه اول و دوم کسی كه آخرين جزء را درست مي كند آن مرتكب حرام است اگر با هم تمام مي كنند ظاهراً هيچ كدام جزء اخير نيست و هيأت حاصله به هم مرتب مي شود و هيچ كدام حرام را انجام نداده اند بنابر تصوير سوم هم بايد گفت كه هيچ كدام انجام ندادند و يعني فاعل فاعل اينها را انجام نداد و حرام نيست.

## اصل در خطابات

يعني اصل در خطابات انحلال به مكلف است هر مكلفي يك خطاب دارد و اگر آن فعل حرام از مكلف واحد صادر شده حرام مي شود اين را كه به تصويرهاي قبلي ارتباط دهيم تفاوتي پيدا مي كند براي اين كه روي آن تصوير كه همه اجزاء حرام است جزء همه اجزاء از يك نفر صادر نشد ولي روي تصويري كه جزء آخر حرام است اگر آخرين جزء را يك نفر بسازد، خوب، آن فعل واحد است و مكلف اوست.